[حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/4518)، [مرداد و شهریور 1369، شماره 39](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4518/4552/0)

**مصاحبه با حجه الاسلام والمسلمین محمد عبائی**

|  |
| --- |
| **حوزه :** با سپاس فراوان از لطف حضرت عالی که قبول زحمت فرمودید  ادبیات و سطح را در نزد پدرم , حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزاحسین عبائی و مرحوم دائیم , آیه الله سید علی رضوی وادیب نیشابوری و مرحوم آیه الله میرزااحمدمدرس یزدی و آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی , فرا گرفتم .  پس ازاتمام سطح , یک سال و نیم در درس خارج فقه واصول حضرت آیه الله العظمی میلانی و چندی هم در درس خارج اصول مرحوم قزوینی شرکت کردم .  در سال 1340 به حوزه علمیه قم مشرف شدم . دراین حوزه ,از محضر آیات عظام : مرحوم بروجردی , حضرت امام , رضوان الله تعالی علیه , مرحوم داماد, مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری , رضوان الله تعالی علیهم , و حاج میرزا هاشم آملی , حفظه الله بهره بردم .  در بعد سیاسی اجتماعی ,از آغاز نهضت , به پیروی از حضرت امام , به اندازه توان , در عرصه های گوناگون , شرکت داشته ام , که امیدوارم مورد قبول خداوند بزرگ و رضایت امام زمان قرار بگیرد.  **حوزه :** لطفا درباره نقشتبلیغات واهمیت آن , بویژه در دوران معاصر,توضیح دهید  استاد: ارشاد و هدایت مردم و جامعه , نسبت به برنامه های دین و دنیا,این سرا و آن سرا,ازاصول رسالت انبیاءاست و در زمان انبیاء, گروندگان واقعی دعوت رعبران الهی ( امت ) پس ازاین که خود راه حق را یافتند,ارشاد جامعه و دعوت مردم رااولی ترین وظیفه خود می دانند. خداوند, در قرآن مجید,ازایمان آورنده ای که پس از درک درستی گفتار فرستادگان حضرت عیسی[ ع] , با جدیت و تلاش بیش ازاندازه در هدایت جامعه می کوشند, تجلیل می کند:  **وجاء من اقصی المدینه رجل یسعی قال یا قوم اتبعواالمرسلین**  مردی از دوردست شهر, دوان دوان آمد و گفت :ای قوم من ,ازاین رسولان پیروی کنید.از کسانی که از شما هیچ مزدی نمی طلبند و خود, مردمی هدایت یافته اند, پیروی کنید. چرا خدایی را که مرا آفریده و به نزداو بازگردانده می شوید, نپرستم ؟  بویژه در عصر غیبت ولی عصر[عج] , که برنامه تبلیغ وارشاد, به عهده امت , بویژه علما و روحانیون , قرار گرفته است . در بعضی از روایات افرادی که احکام خدا را نمی دانند وازامام و رهبر دینی خود دورند به عنوان[ یتیم] یاد شده اند.  **اشد من یتم الذی انقطع عن ابیه یتم یتیم الذی انقطع عن امامه 2 .**  سپس امام عسکری(ع) پس از نقل عبارات بالااز رسول الله ( ص ) , اضافه می کنند: هر کس آن جاهل را ارشاد کند و احکام و مذهب به او بیاموزد, در جایگاه الهی با ما همراه خواهد بود.  قرآن مجید, می فرماید:  **و من احسن قولا ممن دعاالی الله و عمل صالحا وقال انتی من**  چه کسی را سخن نیکوتراز سخن آن که به سوی خداوند دعوت می کند و کارهای شایسته می کند و می گوید:البته که من از مسلمانانم .  این آیه مبارکه دلالت دارد که دعوت مردم به دین خدااز بهترین واجبات واطاعتهاست .  امام علی[ ع] فرموده است :  **لما بعثنی رسول الله الی الیمن قال : یا علی : لا تقاتل احدا حتی**  زمانی که رسول خدا[ص] مرا به سوی یمن فرستاد, فرمود: با هیچ کس پیکار مکن مگراین که نخست او را به اسلام فرا خوانی . به خدای سوگند, اگر خداوند به دست تو یک مرد را هدایت کند برتراست برای تو چه از آنچه آفتاب بر آن می تابد.  حضرت امیر[ ع] یکی از پایه های اجتماعی جامعه را :[عالم ناطق , دانشمند و دانای گویای عامل] می داند:  **قوام الدین والدنیا باربعه بعالم ناطق مستعمل علمه . 5**  ارکان دین و دنیا بر چهار چیزاستواراست : 1.عالم و دانشمندی که عامل به دانش خویش باشد و آن را به کار گیرد.  ارزش تبلیغ از نظر پیامبران الهی , در رتبه ای است که حضرت موسی[ ع] تکمیل ابزار آن را ضمن دعای خوداز خدا می خواهد:  **واحلل عقده من لسانی یفقهوا قولی . 6**  گره از زبان من بگشای , تا گفتار مرا بفهمند.  با یک نگاه گذرا به قرآن مجید و توجه به جملات تبلیغ , مانند:  **ابلغکم رسالات ربی وانصح لکم . 7**  پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و شما رااندرز می دهم .  **ابلغکم رسلات ربی وانا لکم ناصح امین . 8**  پایمهای پروردگارم را به شما می رسانم و شما رااندرزگویی امینم .  **ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه وجاد لهم بالتی هی احسن**  مردم را با حکمت واندرز نکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن .  **الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه ولا یخشونه احداالاالله . 10**  کسانی که پیامهای خدا را می رسانند واز او می ترسند واز هیچ کس , جزاو,نمی ترسند...  که درباره انبیاءالهی آمده به ارزشمندی تبلیغ که پیشتاز آن پیامبرانند, می توان پی برد. نقش تبلیغ مرحله ای است که دروغین و باطل آن چه بسا در یاران حق نیز, مؤثر می افتد. یاران و دوستان حضرت علی[ ع] که در برهه ای از زمان از یارن مولی امیرالمومنین بودند و امام را در مقابل اصحاب جمل و پیکار بصره (ناکثین ) یاری کردند, با حضور حضرت مولی امیرالمومین[ ع] در بین آنان تحت تاثیر تبلیغات دروغ معاویه قرار گرفتند واباطیل و تهمتها و نسبتهای ناروای کارگردانان رژیم اموی در آنان موثرافتاد که دراین رابطه مولی , با نهایت تاثر, می فرماید:  **این تذهب بکم المذاهب و تتیه بکم الغیاهب و تخدعکم الکواذب و من**  آخراین روشهای گمراه کننده , شما را به کجا می کشد؟ تاریکی ها و ظلمتها, تا کی شما را متحیر می سازد؟ دروغ پردازیها تا کی شما را می فریبد؟از کجا در شما نفوذ می کنند. و چگونه شما رااغفال می کنند.  و ما نبایدتنها به بودن خود بسنده کنیم واین که برای نابودی باطل تنها باطل بودن کفایت می کند, زیر قرآن کریم , ضمن بیان اثر تبلیغات سو. والقائات دشمنان راه حق , هشدار می دهد:  **و کذلک جعلنا لکل نبی**  و همچنین برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم . برای فریب یدیگر, سخنان آراسته القا می کنند.اگر پروردگارت می خواست , چنین نمی کردند. پس باافترایی که می زنند, رهایشان ساز تا با آنان که به قیامت ایمان ندارند, گوش دل را بدان سپارند و پسندشان افتد و هرچه در خورشان هست انجام دهند .  دنیای معاصره , بویژه استکبار جهانی به تبلیغات , توجه خاص نموده و برای آنان بودجه بندی ویژه ای می کند.  تبلیغات منظم و رشد یفاته است که توانسته مسیحیت کنونی را, بدون داشتن هیچ محتوای قابل قبولی از نظر جهان بینی وایدئولوژی و حتی با داشتن دهها و صدهااشتباه بین و تضاد و تناقضهای بسیار, حفظ کندو بیش از یک میلیاراز مردم دنیا را مسیحی نگهدارد.  استکبار جهانی شرق و غرب و صهیونیسم بین المللی ,از سالها قبل , دست به تاسیس هزارها شبکه رادیوئی و تلویزیونی زد. هر کجا شبکه ای بود یا خرید و یا شریک شد. همیشه نقش اول را دراستخدام مغزها و اندیشه های کارآمد در تبلیغ وایجاد روزنامه و مجلات کثیرالانتشار, که گاهی تیراژ ده میلیون نسخه در هر شماره به خوداختصاص می دهند, دارد ما به وضوح تاثیراین امر را در جنگ ایران و عراق و حق و باطل دیدیم , که موضوع به این روشنی را, یعنی حمله ناجوانمردانه عراق و جنایات صدام و حایمانش را, گاهی برای بهترین دوستان خوداز کشورهای اسلامی , به دلیل بمباران و تبلیغات مسموم وانحرافی در دنیا, نمی توانستیم ثابتت کنیم که بناچاراماممان و به دنبال آن انقلاب و ملت خوب ایران کاسه زهر نوشیدند....  روزنامه لوموند در 15 نوامبر1984 نوشت :از طرف سیا, دههاانستیتو و موسسه تحقیقاتی درامریکا کار مطالعه درباره اسلام و تشیع را آغاز نموده اند تا خود را برای مقابله با آن وایجادانحرافاتی در میان مسلمانان آماده کنند.  در سال 1980 در شوروی 24 نشریه ضد مذهبی و ضداسلامی وجود داشت . در سال 83 به 37 و در سال 84 به 72 نشریه سید.ازاین تعداد 53نشریه در آسیای مرکزی 13 نشریه در قفقاز و 6 نشریه در مسکو, منتشر می شد.  **حوزه :** با توجه بهپیشرفت وسائل و شیوه های گوناگون آن , آیا روش تبلیغی سنتی حوزه را در ابلاغ معارف وارزشهای والای اسلامی , به نسل امروز کافی می دانید؟ لطفا کاستیها و نواقص آن را برشمارید؟  **استاد:** سلاح تبلیغ در هر زمانی به شکلی است . همانطور که پیشرفت در سلاح گرم برای بشر حاصل شده است , در سلاح سرد و شیوه های گوناگون بهره گیری از سلاح سرد, دشمن امروز, برنامه ریزیهای گوناگون دارد مثلا شما دقت کنید مسیحیت امروزاز چه راهی واردافریقا می شود. مبشرین مسیحی زیر پوشش گروههای : پزشکی , خدمات پزشکی , کارشناش امور کشاورزی و امثال اینها به نقاط محروم آفریقا می روند و با تاسیس بناهای خیریه و حسن سلوک با مردم , آنان راابتدا به خود واخلاق خود جذب می کنند, آنگاه تعلیمات مسیحیت را به آنان می آموزند .  امروز, رادیو, تلویزیون , سینما, تاتر, موسیقی , طنز, نثر, روزنامه , مجله ,کاریکاتور و... حرکتهای علمی ابزار تبلیغات مثبت است , یعنی در جهت اثبات حقانیت فکر موردارائه .  همچنانکه متقابلاتبلیغات منفی باابزارهای فوق , گاهی با حملات مستقیم و گاهی غیر مستقیم انجام می گیرد. باید به دو نکته درامکر تبلیغات کنونی توجه کرد:  **1. عدم کفایت سخنرانی و نگارش**  در تبلیغات ما, نوعا, به سخنرانی و نگارش (آنهم به طور ناقص و ابتدایی )اکتفا شده است , حال آن که زبان هنر, بویژه هنر تجسمی و تصویر گسترده تر و فراگیرترجاذب تر و موثرتراست .  شنیدن پیامها و یا مطالعه خطوط نگارش نوعی زبان و بیان است که هدف را به شنونده منتقل می کنداما ذهن و خیال انسان , صورتهایی را که از خارج کسب می کنند بهتر می تواند در خود حفظ کند.  مردم از صبح تا شام , مجموعه ای از صورتهای رفتاری را در خانه , محل کار, جمع دوستان و... می بینند و به آن خو می گیرند.بهترین راه تبلیغ آن است که پیامها و بیانی راارائه شود که مردم بیشتر با آن سروکار دارند و بیشتراز آن در جهت رساندن آگاهیهای خود با یکدیگراستفاده می کنند.  مردم , حتی در گفتن مطلبی به یکدیگر,از شیوه های نمایشی استفاده می کنند و گفتار خود را به حرکات مخصوص سرودست و چشم و قیافه ادا می کنند, پس باید برای نمایش و پیامهای بصری ارزش بیشتری قائل شویم .  فیلم به عنوان یک تجربه تکامل یافته زبان تصویری ,این امکان را دارد تا در یک زمان تمام انسانها رااز پیام خود برخوردار کند. کوششی که مستکبران دراین راه می کنند در خور تامل است . آنان مثل گذشته لازم نمی دانند تا کسی را بفرستد در فلان جای دنیا برای مردم سخن بگوید, تا مردم آن سامان را به راهی که می خواهند بکشاند, بلکه با در دست داشتن امکانات تصویری , آنچخ را که خواهانند به صورت فیلم در تمام نقاط دنیا پخش می کنند وازاین راه با خرج کمتر واستفاده بیشتر به تبلیغات خودادامه می دهند.  امروز تبلیغات دنیا به قدری متنوع , وسیع و فراگیراست که اکثریت چشمها و مغزها و گوش هااز داده های آنان پر شده و کمتر جایی خالی است تا بتوان از سخن و محتوایی پر کرد و به مسیری رهبری نمود.  **2. نقص شیوه موجود**  نکته دیگری که در تبلیغات سنتی باید توجه شود, نوعا یک نواختی روش سخنرانیها نوشته هاست , در صورتی که همین دو روش سنتی (سخنرانی و نگارش )امروز به صورتهای گوناگون عرضه می شود. مسلم مطالبی که باید برای جوانان گفت با آنچه مناسب کودکان و کهنسالان است تفاوت دارد,هر گروهی ادبیات خاص خود را دارد.  همچنین طرز بحث و مناظره با مردم عادی وافراد تحصیل کرده تفاوت دارد.  جهان برای هر گروه سنی برنامه و روشی کاملا جدااز یکدیگر و در حد اشباع تدارک دیده است . در شوروی سالانه , 200میلیون نسخه کتاب برای کودکان چاپ می شود و بیش از 100 بنگاه انتشاراتی برای کودکان و نوجوانان کتاب چاپ می کند و در حال حاضر, دراین کشور, سالانه حدود 10میلیون سانس فیلم برای کودکان نمایش داده می شود و روزانه 5.1 میلیون کودک فیلم تماشا می کنند.  فقط یک مجله مخصوص کودکان , به نام عکسهای خنده دار, در تیراژ دو میلیون چاپ می شود.  **حوزه : نهادهای تبلیغی که رسالت ارشاد و تبیین اندیشه دینی را بر**  عهده دارند, به نظر حضرت عالی چه اقدامی می باید در جهت بهبود وضع تبلیغ و تربیت مبلغان انجام دهند. استاد: به نظر من در درجه اول , باید نهادهای تبلیغی از یک برنامه ریزی واحد پیروی کنند.  متاسفانه , غیراز وزارت ارشاد و رادیو و تلویزیون و سازمان تبلیغات , و دفتر تبلیغات , دهها نهاد تبلیغی دیگر هم هست مثلا, سپاه , جهاد,ارتش و...  این نهادها, چون جدای از یکدیگرند, هزینه بیشتری درامر تبلیغ مصرف می کنند. ولی اگر تبلیغات , در یک مرکز, متمرکز باشد, هم در هزینه صرفه جویی می شود و هم از حیث محتوا, به خاطر برنامه ریزی و مدیریت واحد و متمرکز, غنی خواهد شد. بنابراین ,اولین گام در راه بهبودامر تبلیغ , مرکزیت واحد واجتناب از تعدد مراکز تصمیم گیری است .  اگر برای مسؤولین این حرکت ممکن نیست , لااقل , شرح وظایف این مراکز تبلیغی را تعیین کنند. هر گروه و نهادی عهده دار یکی از شاخه های تبلیغی بشود:  گروهی عهده دار تبلیغات خارجی , گروهی داخلی , گروهی کودکان و...  تبلیغ یک فن است , فن بسیار دقیق و ظریف ازاین روی , درامر تبلیغ , باید به آمار, بسیار بها داد. برنامه ریز, باید براساس آمار برنامه ریزی کند و گرنه دست اندرکاران تبلیغ , موفق نخواهند شد. پس از این مرحله , مرحله محتواست . در زمان جنگ , ما به یک سلسله مطالب در امر تبلیغ نیاز داشتیم واکنون که زمان بازسازی است به یک سری مطالب دیگر نیازمندیم . و یا محتوای تبلیغ برای داخل با آنچه که برای خارج تدارک دیده می شود, باید متفاوت باشد.  کشورهای مسلمانی هستند که در آغاز حرکت و تحولند و کشورهایی هستند که مقداری از راه را پیموده اند, واضح است که محتوای تبلیغ باید برای این کشورها, همسان نباشد.  کشورها, منطقه ها, مردمان و مشکلات هر منطقه و مردم باید دقیقا بررسی بشود و طبق نیازها, برنامه ارائه بشود. خلاصه مطلب , موفقیت تبلیغ مرهون نکاتی است که ذیلا به برخی از آنهااشاره می شود:  ذیلا به برخی از آنهااشاره می شود:  1. مرکزیت و یا تفکیک حوزه های مسوولیت .  2. برنامه ریزی درامر تبلیغ .  3. شناخت مخاطبین وارائه برنامه های مخصوص به آنان .  4.استفاده از کارشناسان و مشاوران قوی .  امروز موفقیت مسیحیت مرهون دقت و برنامه ریزی دقیق است .  یکی از دوستان , که سالها پیش , مدتی سفیر بود, می گفت : دائره تبلیغات کلیسا, برای تمام شهرها و بخشها, نقشه و شناسنامه مخصوص دارند. به این ترتیب : تعداد جمعیت , طرز تفکر, مسلمانان : شیعه یا سنی و...  برای هر فرقه و تفکر حاکم بر فرقه ها و... برنامه مخصوص دارند.  قبل ازانقلاب اسلامی ایران ,از طرف کلیسا, مبلغین و مبشرینی در آفریقا,انجام وظیفه می کردنداما پس ازانقلاب , دائره تبلیغات , تمام آنان را فرا خواند و نیروهای آموزش دیده جدیدی را فرستاد که بتوانند بااین حرکت و تحول جدید, مقابله کنند.  طرحها و برنامه ها فراوان است لکن , به نظر بنده , بایداز کارشناسان امور تبلیغی ,از هر نهادی , مجمعی تشکیل شود تااز مجموع طرحها و برنامه های موجود و با مطالعه و تحقیق روی نهادهای تبلیغی دشمنان , طرحی جامع را به جامعه اسلامی و حوزه های علمیه ارائه نمایند.  **حوزه : مبلغ اسلامی از چه شرائط و ویژگیهایی باید برخوردار باشد و**  بویژه دراین زمان به چه ابزاری باید مسلح شود؟ استاد: مبلغ , بایداز لحاظ علمی ,اخلاقی , فصاحت و بلاغت , فردی قوی باشد. دراینجا به برخی از شرایط مبلغ (مبلغ سنتی )اشاره می کنم :  1. آشنایی دقیق به اصول عقایداستدلالی و علم کلام , بخصوص , کلام جدید.  2. آشنایی با دانشهای حوزوی ,از جمله : نحو, صرف عربی , منطق , معانی بیان , فقه واصول , تفسیر, حدیث , تاریخ اسلام , تاریخ ادیان و...  3. آشنایی با علم اخلاق و دانستن شیوه های آراستن باطن و کنترل غرائز زیرا راه مبلغ , راه پیامبراسلام که فرمود :[بعثت للاتمم مکارم الاخلاق] .  4. آشنایی بااصول عمومی جامعه شناسی و جامعه شناسی منطقه .  5. آشنایی بااصول عمومی روانشناسی و روانشناسی تبلیغی .  6. آشنایی با مسائل سیاسی اجتماعی .  7. آشنایی با جغرافیای سیاسی , طبیعی و منطقه ای .  8. آگاهی از فنون نویسندگی .  9. آگاهی از فنون سخنرانی .  آنچه بر شمردیم , مبلغ , برای ورود به جامعه و[ حل و حلول] در [بلد] بایستی دارا باشد.اینهاابزار[ حلول و ورود]است .  از قرآن مجید که می فرماید:  **لا اقسم بهذا البلد و انت حل بهذا البلد . 13**  قسم به این شهر و تو دراین شهر سکنا گرفته ای .  استفاده می شود که باید باروان مردم و جامعه در آمیخت و باافکار و اندیشه ها و آداب آنان کاملا آشنا شد و براساس واسلوب زندگانی آنان زندگی کرد:  **اذا دخلت بلده فعاشر بادابها.**  البته مبلغ باید به وسیله ابزاری که در دست دارد, با سنتها و آداب نادرست مبارزه کند, منتهی بعداز شناخت و مطالعه و بررسی راه حلها و... آنچه عرض کردم , شرایط عمومی یک مبلغ است . قرآن کریم , ویژگیهایی را برای مبلغ دین و شرایطی را برای موفقیت آن بر می شمارد که به اجمال , به برخی از آنهااشاره می کنم .  **1. تفقه در دین**  قرآن کریم , دراین زمینه می فرماید:  **فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا**  چرااز هر گروهی دسته ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند, مردم خود را هشدار دهند.  من شنیدم که : حضرت آیه الله بروجردی می گفتند: مبلغ باید مجتهد باشد.  **2. هدایت یافته باشد**  **ضرب الله مثلا رجلین احدهماابکم**  لایقدر علی شی و هو کل عل مولیه اینما یوجهه لایات بخیر هل یستوی هوومن یامر بالعدل و هو علی صراط مستقیم . 15  خدا مثل دو مرد را بیان می کند یکی که یکی لال است و توان هیچ چیز ندارد و بار دوش مولای خوداست , هر جا که او را بفرستد, هیچ فایده ای حاصل نمی کند. آیااین مرد با آن کس که مردم را به عدل فرمان می دهد و خود بر راه راست می رود, برابراست ؟  نکته ای که دراین آیه شریفه هست ,این که : هدایت کننده , باید خود علی صراط مستقیم باشد والا [خفته را خفته کی کند بیدار].  **3. مطابقت عمل با گفتار**  دراین موضوع , که باید عمل , طبق گفتار باشد, آیات فراوانی داریم که دراینجا به دو آیه اشاره می کنیم :  **کبر مقنا عندالله ان تقولوا مالاتفعلون . 16**  خداوند, سخت به خشم می آید که چیزی بگویید و به جای نیاورید.  **و من احسن قولا ممن دعاالی الله و عمل صالحا و قال اننی من**  چه کسی را سخن نیکوتراز سخن آن که به سوی خدا دعوت می کند و کارهای شایسته می کند و می گوید:البته که من از مسلمانانم .  **4. شیوایی سخن**  برای تبیین مطلب و معارف اسلامی , بایستی از جملاتی روان و نزدیک به فهم و در گوش شنونده خوش آیند, بهره جست .  مبلغ دین , نبایداز جملات و کلمات مغلق , غریب , یعنی بیگانه و ناآشنا, یا ثقیل و بدآهنگ استفاده کند.  اول شرط گوینده این است که : مخاطب واقتضای حال او را بشناسد و بداند برای چه گروهی سخن می گوید و با زبان قابل فهم برای آن گروه , مطالبش راارائه بدهد.  زمانی در مملکت ما, نثر مشکل و به دوراز فهم و نیازمند به کتب لغت , فضل بود, ولی این روش دیری نپایید و نثر ساده و بی پیرایه جای آن را گرفت .  متاسفانه , قبل ازانقلاب, فرهنگ غرب در بین مبلغین و منبریهای ما هم رسوخ کرده بود. گویندگان مذهبی اسامی و واژگان غربی را در سخنرانیشان زیاد به کار می بردند.  یادم هست , نویسنده ای نام علی ابن ابیطالب , کمیل و... را در کتابش نوشته بود و معادل لاتین آنها را هم ذکر کرده بود!  مشکل نویسی و مشکل گویی خلاف صریح قرآن کریم و سیره پیامبر عظیم الشان اسلام وائمه اطهاراست .  قرآن , به لسان عربی نازل شده است و پیامبر ماموریت داشته که به لسان عربی مبین سخن بگوید.  مبین , دو معنی دارد:  1. قرآن ,! مجمل حرف نمی زند, حرف حساب را راست و پوست کنده می گوید.  2. بیانش گویاست و همه می فهمند.  ما مبلغان , بایداز قرآن و سیره پیامبر وائمه درس بگیریم و با مردم , به لسان مبین , سخن بگوییم .  **شجاعت**  مبلغ , باید در بیان حق و مصالح مسلمانان صریح و شجاع باشد واز هیچ کس جز خدا, هراسی به دل راه ندهد.  خداوند در قرآن کریم می فرماید:  **الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه**  کسانی که پیامهای خدا را می رسانند وازاو می ترسند واز هیچ کس , جزاو نمی ترسند خدا برای حساب کردن اعمالشان کافی است .  مبلغ , نباید حرف حساب و واقعیت رااز مردم مخفی کند.البته گاهی یک موضوع است که بازگو کردنش به مصلحت جامعه نیست , که اینجا مبلغ زیرک و مصلحت شناس و دوراندیش از بازگو کردن این چنین مطالبی خودداری خواهد کرد. پرواضح است که مصلحت جامعه واسلام , غیراز مصلحت شخص و گروه است .  **انصاف**  مبلغ باید منصفانه , همه زوایا را ببیند و مثل آیینه , منعکس کننده خوبیها باشد و بدیها, نه خوبیها را بزرگتراز حد جلوه بدهد و نه بدیها را:  **المومن مرآه المومن .**  وقتی وارد یک شهر و یا یک روستا می شود, هم به نکات مثبت توجه باشد و هم به نکات منفی .از عزاداری , سینه زنی و... تعریف کند و نمازاول وقت را هم گوشزد نمایدو...  **بشیر و نذیر**  پیامبران خدا هم بشیر بودند هم نذیر. مبلغ باید دارای این صفات شایسته باشد و یک بعدی و یک سونگر نباشد. در روایات وارد شده است که : [ هادی و راهنمای خوب کسی است که مردم را بین خوف و رجاء نگهدارد].  **ذوق و سلیقه**  برای مبلغ , تنها دانش و معلومات کافی نیست , بلکه باید ذوق و سلیقه ارائه مطلب را داشته باشد.  دراینجا داستانی از مرحوم شرف الدین جبل عاملی نقل می کنم :  یکی از علمای قم از قول ایشان نقل می کردند:  [یک نفر مبلغ را برای ارشاد برخی از مسیحیان لبنان فرستادیم , پس از مدتی تبلیغ , گفته بودند:اکنون می خواهیم مسلمان شویم , باید چه کنیم ؟  این آقای روحانی گفته بودند:ابتدا باید ختنه بشویید]!  ایشان اضافه کرده بودند که :[ درست است که[ ختنه] یکی ازاحکام اسلام و آداب دین است ,اما باید ذوق و سلیقه داشت و رعایت اقتضای حال را کرد. برای تازه مسلمانان , بایداحکام سهل و ساده و غیر مشمئز کننده راارائه کرد].  ایشان درباره نتیجه این برخورد فرموده بودند : [این برخورد,اثر معکوس گذاشت . و آن مردم , مسلمان نشدند و آن آقا را هم رد کردند].  مرحوم سید شرف الدین , یک نمونه دیگر را, که خود آن مرحوم برخورد کرده بودند واثر بسیار مطلوبی داشته بود,این چنین بیان فرموده بودند :[یکی از مسیحیان ثروتمند لبنان , نزد من آمد و گفت : من می خواهم مسلمان بشوم . گفتم مسلمان بشوید. گفت : وظیفه من چیست ؟ گفت : دو رکعت نماز صبح بخوان و سه رکعت نماز مغرب . گفت : مسلمانان , هفده رکعت نماز می خوانند.]  گفتم : آنان مسلمانیشان یک مقداری قوی شده است والا پیامبراسلام برای تازه مسلمانان , بنابر نقل تواریخ , دو رکعت نماز صبح و عصر می خواندند.اکنون شما که مسلمان شده اید همین اعمال راانجام بدهید کافی است .  کم کم ,این آقای تازه مسلمان , قوی شد و می رفت در مساجد با دیگر نمازگزاران , طبق معمول نماز می خواند.  تااین که ماه رمضان فرا رسید,ایشان سراسیمه پیش من آمد و گفت : من هم باید روزه بگیرم ؟  گفتم : خیر, روزه مربوط به کهنه مسلمانهاست .  مسلمانان صدراسلام , بعداز مدت مدیدی که از بعثت پیامبر گذشت مامور به روزه گرفتن شدند.  گفت : من می خواهم روزه بگیرم .  گفتم : هراندازه که آمادگی داری روزه بگیر.  مرحوم شرف الدین فرمودند :[ این روش سبب گردید, سال دوم تمام ماه را روزه بگیرند واکنون ایشان یکی از مسلمانان قوی لبنان است , نافله شبش ترک نمی شود و مهمترین بودجه های جنوب لبنان راایشان تامین می کنند].  **تلاش در راه اعتلای فرهنگ عامه**  مبلغان دین در هر کجا که گام می نهند و مامور به تبلیغ می شوند, اساس فعالیت خود را باید در جهت اعتلای فرهنگ مردم قرار دهند.  مردم تااز فرهنگ مناسبی برخوردار نباشند, توان پذیرش اندیشه دینی را نخواهند داشت .  روی این اصل , باید مبلغ به تعلیم و تربیت مردم , بویژه , نوباوگان اهمیت ویژه ای بدهد و زمینه رشد آنان را فراهم نماید.  بیشترین و هولناکترین ضربه ,از برنامه آموزش و پرورش استعماری , بر ملتهای مسلمان وارد شده است لذا باید مبلغ دینی روی تربیت نوباوگان حساس باشد واز همان روزنه ای که استعمار به ما ضربه زده است واستعمار ضربه بزند. و به گفته عالم ربانی , مرحوم سید شرف الدین :  لاینتشر الهدی , الا من حیث انتشر الضلال . 19  آن مرحوم , خود, به این اصل مهم در زندگانی پر مایه و با عظمتش عمل کرده است .از قول آن بزرگوار نقل کرده اند:  [من وقتی وارد شهر صور (جنوب لبنان ) شدم , با وضع اسف باری روبرو شدم : مردم فقیر, بی سواد, طبقات پایین اجتماع , نه مدرسه ای , نه مسجدی , نه محل اجتماعی و... فکر کردم چه بکنم واز کجا آغاز کنم ؟ مدرسه ساختم واعلام کردم : فرزندانتان را به مدرسه بفرستید. مردم استقبال کردند.  مرحله به مرحله پیش رفتیم. فرزندان جنوب لبنان را تا سطح معلومات عالی پیش بردیم و به جایی رسیدیم که توانستیم برای پارلمان ,افراد با صلاحیت و تحصیل کرده ای داشته باشیم] .  دراینجا به یک نمونه دیگراز حرکات فرهنگی این مصلح بزرگ اشاره می کنم :  درباره خدمات آن بزرگ نوشته اند:  [ هنگامی که شرف الدین به شهر صور (جنوب لبنان ) رفت , شیعیان ساکن این شهر, نه مسجدی داشتند برای ادای فرایض دینی و نه محلی داشتند برای تجمع و گردهمایی , شرف الدین , خانه ای خرید و آن را به صورت [حسینیه] وقف کرد. مردم پراکنده بودند واز تربیتهای دینی بی بهره . او, توانست از طریق افتتاح حسینیه , مردم را گرد آورد و به تربیت آنان بپردازد]. 20  امروز به برکت انقلاب اسلامی , زمینه تبلیغ آماده است و آموزش و پرورش و دیگر نهادها, مهیای فراگیری تعالیم دینی هستند واکنون بر حوزه های دینی است که همت کنند و به نشر معانی دین بپردازد.  **مبارزه با زراندوزان بی درد**  پیامبران , وائمه , به سخن اکتفا نمی کردند و منتظر نمی ماندند که دیگران به گفته های آنان عمل کنند بلکه خود دامن همت به کمر می زدند و برای تحقق آرمانهایشان اقدام می کردند.  ابراهیم , تبری بر می دارد و به بتخانه می رود و بتها را می شکند.  موسی , به دربار فرعون حمله می برد.  و...  امروز مبلغان ما وظیفه دارند که خود با ناهنجاریها و نابسامانیها مبارزه کنند و در برابراختاپوسهای اقتصادی , برآشوبند و نگذارند میکروب وار جامعه را تحلیل برند و مردمان ما را به خاک مذلت بنشانند.  دراینجا باز شما را توجه می دهم به سیره مبلغ راستین جنوب لبنان , یعنی , مرحوم سید شرف الدین که علاوه بر مبارزه بی امان با جهل و خرافات واختلافات دوئیتها وامپریالیسم , برهه ای از زندگی درخشانش وقف مبارزه جدی با مالکان بزرگی می شود که مردم مظلوم جنوب لبنان را مقهور خویش ساخته بودند و بسان برده از آنان بهره می بردند.  علامه شیخ مرتضی آل یاسین دراین باره چنین می نویسد:  در آن روزگار, در لبنان , زمینداری ناهنجاری وجود داشت . توده های مردم , در برابر مالکان اختیاری از خود نداشتند و برای زندگی معنایی جز رقیت و بردگی نمی دانستند مالکان و توانگران نمی گذاشتند که آنان معنای دیگری از زندگی درک کنند. زندگی توده های محروم , زیر پای جباران و طاغوتیان خرد شده بود.  چون شرف الدین , در آنجا,استقرار یافت , نتوانست آن روش خرد کننده و آن استبداد بلعنده را قبول کند و در برابر برباد رفتن حقوق محرومان ساکت بماند. شرف الدین نه از وجدان خود, نه ازایمان خود, نه از احسان خود,از هیچکدام نتوانست مجوزی دریافت کند برای سکوت در برابر زمینداری و مالکیت اقطاعی .البته در برابراو, قدرتمندان , سردمداران , زعماء,استعمارگران قرار داشتند و دیگر کسانی که ازاین طریق استفاده های سرشار می بردنداما شرف الدین مومن و آگاه , آیااز اینگونه کسان می هراسید؟ هرگز.او در برابر آنان سر به شورش گذاشت و آن روش را محکوم کرد و آنان وارد سخت ترین مبارزات شد. قدرتمندان و بهره کشان جبار در برابراوایستادند و همه امکانات خویش را, برای مقابله بااو, به کار گرفتند و همه سعی و کوشش خود را کردند,اما سرانجام مرد حق پیروز شد و کوششهای آنان همه تباه گشت. 21  **حوزه : با توجه به این که بستر پرورش مبلغین کارآمد و شایسته ,**  حوزه های علمیه است , چه اقداماتی را برای بهبود تشکیلات تبلیغی حوزه و تربیت مبلغان آن لازم می دانید. استاد:ابتدا باید برای کل حوزه ها طرح تشکیلاتی جامعی تهیه شود و مدیران لایق و کارآمد و دلسوز, برای اجرای آن طرح انتخاب و یااز سوی مقام معظم ولایت فقیه و رهبری امت اسلامی نصب گردند و آنگاه در بعد تبلیغات برنامه ریزی شود.  البته سخن ما در وضعیت فعلی حوزه و تبلیغات سنتی اوست , نه درباره تبلیغات ایده آل و کامل که آرزوی ماست .  در زمینه پرورش مبلغین کارآمد, به نظر من , چند کار بایدانجام گیرد,از جمله :  1.استعدادسنجی , تا مشخص شود چه کسانی استعداد تبلیغ را دارند.  2. آموزش مطالب لازم برای یک مبلغ , به صورت عمومی و تخصصی .  3. آموزش کادر مورد نیاز تبلیغ , براساس نیازهای جامعه , در سطوح : شهر, روستا, دانشگاه , دبیرستان و...  4. برنامه ریزی برای اعزام مبلغان و بهره برداری صحیح ازاعزامها.  5.کنترل برنامه ها و مواد تبلیغی .  این طور نباشد که مبلغان به انتخاب خود موضوعی را برای مستمعین بیان کنند, بلکه باید طبق برنامه های تنظیمی مباحث مطرح شود و به صورت متناوب ارائه گردد تا نتیجه دقیق و مطلوب حاصل گردد. هر روستا, بخش و... که مبلغ به آنجااعزام می شود باید دارای شناسنامه ای باشد که در آن وضعیت فرهنگی ,اقتصادی و سیاسی ثبت شده باشد. .  **حوزه : برای بهره برداری بهتراز زمینه های تبلیغاتی , مانند: محرم ,**  صفر, ماه رمضان ,اعیاد, نمازهای جمعه و جماعات چه رهنمودهایی دارید. استاد: حوزه های علمیه در بعد تبلیغات , می توانندازاین ایام , که از نعمتهای بزرگ الهی است , بهترین بهره ها را ببرند.  ازاین روی , شایسته است , با هماهنگی ائمه جمعه و دبیرخانه ائمه جمعه و دیگر نهادهای تبلیغی , برنامه منظمی , جهت بهره وری ازاین ایام , پی ریزی شود.  دراین ایام , سطح فکری و فرهنگی مردم با برنامه ریزی وارائه مطالب نو و مفید بایدارتقا یابد.  همین تبلیغات سنتی ,اگر در جهت و مسیر صحیح هدایت بشود نتایج و ثمرات مطلوبی به دست خواهد آمد.  انقلاب اسلامی ایران ثمره همین تبلیغات سنتی و همین ایام الله است . حرکت و جنبش جنوب لبنان و دیگر مناطق مسلمان نشین ,از همین مجالس حسینی واجتماعات مذهبی نشات گرفته است .  اساسا تحولی که در کشورها و مناطق شیعی می بینید و در بین اهل سنت مشاهده نمی شود, ریشه دراین ایام دارد.اهل سنت , متاسفانه ,از چنین محافلی محروم اند وایام تولد حضرت پیامبر[ص] و جمعه و جماعات که گردهمایی دارند, بی روح و بی تحرک و تشریفاتی است که همین را هم , وهابیت سعی می کند,از بین ببرد و یا به شدت کم رنگ کند.این که امام , رضوان الله علیه , به منبر و تبلیغات سنتی و ماه محرم و صفر, فوق العاده ,اهمیت می دادند, برخاسته از شناخت دقیق منبرها و تبلیغات سنتی و کاربرد آنها بود.  شاهد بودیم که درانقلاب اسلامی ایران , چقدر نقش محرم و صفر و مساجد و منبرها, زیربنایی واساسی بود.  هیچ مکتب و مسلکی ,این چنین برنامه ای ندارند و نمی توانند, مردم را به این آسانی و راحتی که ما به برکت علی بن ابی طالب وامام حسین[ ع] گردآوری می کنیم , گردآوری کنند.  کدام تریبون قوی تراز تریبون روز عاشوراست ؟  گروههای چپ و راست , حاضرند در تمام سال برای یک ساعت روز عاشورا برنامه ریزی کنند و وقت صرف کنند, تا در یک روز ولو در یک ساعت , اکثریت جمعیت مملکت در جلسات گوناگون سخنان آنان را بشنوند.  ما نبایداز چنین روزهایی غافل باشیم . نعمت بزرگی دراختیار ماست و ما باید بهترین بهره ها را در جهت رشد واعتلای کلمه توحیدازاین ایام ببریم .  **حوزه : حضرت عالی که روزگاری از عمر شریفتان را درامر تبلیغ سپری**  کرده اید واکنون هم از دست اندرکاران تبلیغ هستید,اگر رهنمودی برای فضلا و طلاب دارید, بیان بفرمایید. استاد: دراینجا فرصت را غنیمت می شمارم و چند نکته را به طلاب و فضلای عزیز برادرانه , تذکر می دهم :  **جامعیت در سخن**  پس ازانقلاب اسلامی ایران , بیشتر, با دو گونه سخنرانی روبرو بودیم :  1. گروهی از سخنرانان و گویندگان که عرق انقلابی داشتند, بیشتر, روی مسائل سیاسی تاکید می کردند و مسائل اخلاقی ,اعتقادی و تفسیری را کمتر مطرح می کردند.  2. گروهی از سخنرانان , که باانقلاب , همراه چندانی نداشتند, به گونه ای مسائل را مطرح می کردند که گویی انقلابی رخ نداده است . مباحث این دسته , بیشتر, مسائل سنتی بی ارتباط به زمان و سیاستهای جاری و گرفتاری مسلمانان بود. هر دو شیوه ناقص است و غیرکارا. مبلغ دینی باید جامع سخن بگوید. در سخنرانی , مسائل مبتلا را مطرح و نمونه هایی ملموس از آیات , وقایع تاریخی و...ارائه بدهد.  از باب نمونه : درایام میلاد حضرت رضا[ ع] , مناسب است که حدیث سلسله الذهب را مطرح کنند:  **کلمه لااله الاالله حصنی فمن قالها دخل فی حصنی و من دخل فی حصنی**  این روایت , یکسری مباحث اعتقادی دارد و یکسری مباحث سیاسی - اجتماعی که مبلغ , می تواند با بهره گیری ازاین روایت شریف , جلسات متعددی درباره عرفان اسلامی , سیاست اسلامی و... برای مردم داشته باشد.  نتیجه این شد که : یک سونگری درامر تبلیغ , میزان کارآیی را پایین می آورد و باید شدیدااز آن اجتناب شود.  **سعی درایجاد روح تسلیم و تعبد**  در برهه ای از زمان در بین اهل منبر مرسوم بود که به تبیین فلسفه احکام می پرداختند.این کار مفیداست ,اما به همان مقداری که در قرآن ذکر شده و در روایات قطعیه وارد شده است . که مبلغ دین باید با صرف وقت و مطالعه دقیق و همه جانبه , آنچه را که در لسان شرع آمده , برای مردم تشریح کند.  امااگر مبلغ بخواهد با تکیه بر ذوقیات و مطالعه یکسری مطالب غیرمتقن به این مساله مهم بپردازد, ره به جایی نخواهد بود.  اگر ما, مردم را عادت بدهیم که هر جا فلسفه اش را فهمیدند عمل کنند و هر جا نفهمیدند عمل نکنند, خیلی خطرناک است .  باید به مردم , فهماند که : ما, فلسفه احکام را نمی دانیم . ما که پیغمبر نیستیم , فلسفه همه احکام را بدانیم . بله , فلسفه برخی از احکام را که در قرآن و روایات آمده است و یا بعضی از دانشمندان تذکر داده اند, می دانیم . برخی از قوائداحکام را, که به عقل ناقص ما می رسد, می دانیم و... مهم این است که : در جامعه , بااستدلال , روحیه تعبد و تقلید حاکم شود. روحیه تسلیم در برابراحکام الهی زیرا اسلام , به معنی تسلیم است . قرآن , کسی را مومن می داند که تسلیم احکام الهی باشد  **فلا و ربک لایومنون حتی یحکموک فیما شجربینهم ثم لایجدوا فی انفسهم**  نه , سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند مگر آن که در نزاعی که میل آنهاست , تو را داور قرار دهند واز حکمی که تو می دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر, تسلیم آن گردند.  **حضور در صحنه**  توصیه من به طلاب عزیز حوزه علمیه این است که هیچ گاه مایوس و سرخورده نشوند و با مشکلات و موانع , دست و پنجه نرم کنند.  همیشه و باهشیاری تمام ,امور مربوط به حوزه های علمیه را دنبال کنند و در برنامه های حوزه , حضور فعال داشته باشند و ضمن تذکر به مسوولین , آنان را دراداره بهتر حوزه یاری کنند زیرا, خواست امام راحلمان این بود که طلاب جوان و کتک خورده و جبهه رفته , در برنامه ریزی حوزه ها, سهیم و حضور فعال داشته باشند و براین نکته , مقام معظم رهبری هم تاکید فرموده اند.  از خداوند بزرگ , مجد و عظمت اسلام و حوزه های علمیه و روحانیت معظم , این پاسداران شریعت نبوی و ولایت علوی را خواستارم .  **پاورقی ها:**  1. سوره یس , آیه 20, 21, 22.  2. بحارالانوار, ج /02/2  3. سوره فصلت , آیه 33.  4. سفینه البحار, ج 1.200.  5. نهج البلاغه , حکمت 372.  6. سوره طه , آیه 27,28.  7. سوره اعراف , آیه 62.  8. سوره اعراف , آیه 68.  9. سوره نحل , آیه 25.  10. سوره احزاب , آیه 39.  11. نهج البلاغه , خطبه 108.  12. سوره انعام , آیه 112, 133.  13. سوره بلد, آیه 1,2.  14. سوره توبه , آیه 121.  15. سوره نحل , آیه 76.  16. سوره صف , آیه 3.  17. سوره فصلت , آیه 33.  18. سوره احزاب , آیه 39.  19. شرف الدین , محمدرضا حکیمی ,.198.  20. همان مدرک , .168.  21. همان مدرک , 195194.  22. سوره نساء, آیه 65.  و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبری در صحنه باشند واشخاصی که انتخاب می کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می شود مثلا درانتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران ناپذیر نباشد و دران صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می باشند.  **وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی , رضوان الله تعالی علیه** |